

فتنه آینده؛ تصرف در ماده

بخشی از سخنرانی
دکتر مظفر نامدار در جمع
تعدادی از فعالان فضای
مجازی استان گیلان



مقدمه:

جزوه‌ای که پیش رو دارید، متن سخنرانی «دکتر مظفر نامدار» پژوهشگر اندیشه اسلامی معاصر، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و سردبیر فصلنامه‌ی تخصصی- تاریخی ۱۵ خرداد در جمع تعدادی از فعالان فضای مجازی دانشگاه علوم پزشکی گیلان است که در ۲۸ آذر ۱۳۹۴ در شهر رشت ایراد شده است.

در تنظیم و ویرایش این جزوه، تلاش شده است با حفظ امانت‌داری در اصل صحبت‌ها، کمترین تغییر در محتوای آن صورت گرفته و تنها، جملات محاوره‌ای به نگارشی تبدیل و علائم سجاوندی افزوده شود. از آنجا که صحبت‌های سخنران جلسه در جزوه پیش رو از حالت محاوره‌ای به شکل نگارشی درآمده، بخشی از حلاوت آن کاسته شده است که این موضوع می‌تواند عاملی برای ترغیب مخاطب برای رجوع به فایل صوتی این جلسه باشد.

دفتر استانی سازمان فضای مجازی سراج در گیلان، امید دارید که مباحث مطروحه و نیز دیگر جزواتی که در آینده از سوی این دفتر ارائه خواهد شد، در تبیین مباحث و موضوعات مبتلا به در جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی راهگشا و موثر باشد.

لازم به ذکر است که مجموعه جزواتی که تاکنون توسط دفتر استانی سازمان سراج تدوین شده است، در بخش تولیدات و اخبار پایگاه اطلاع رسانی این دفتر به آدرس seraj.ir/gilan قابل دریافت می باشد.



توفیقی بود برای بنده. در محضر بعضی از دوستانمان بودیم و استفاده کردیم. این بخش آخر صحبت های جناب آقای ستوده را هم استفاده کردیم
یک نکته می‌خواهم بگویم؛ یک نکته‌ی تاریخی است. بعد بروم سراغ اصل صحبت‌های خودم که البته ربطی هم به فضای مجازی ندارد.

یک نکته و خاطره تاریخی

این نکته‌ی تاریخی با بحث‌هایی که آقای ستوده گفتند ارتباط دارد و البته بحث مهمی هم هست. من سال ۷۳ به دلیل اتفاقی که، یعنی بطور اتفاقی، مطلبی را دیده بودم و به شکل پاورقی در یکی از کتاب^۱‌هایم این نکته را نیز آوردم. اما با اینکه دیگر حوزه مجازی اهمیت بیشتری پیدا کرده است، ولی فکر می‌کنم خیلی‌ها هنوز به این داستان توجه نکردند و این مطلب هم برمی‌گردد به خاطره‌ای که مرحوم آقای فردوسی پور^۲ از حضرت امام نقل کردند.

۱- رهیافتی بر مبنای مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه در دوران معاصر، دکتر مظفر نامدار، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

۲- مرحوم حجت الاسلام «شیخ اسماعیل فردوسی پور(ره)» در زمان تبعید حضرت امام در نجف در کنار ایشان بود و به هنگام اقامت امام خمینی (ره) در پاریس در خدمت ایشان و هماهنگ کننده ملاقات‌های امام

آقای فردوسی پور می گویند که من موقعی که امام از پاریس داشتند تشریف می آوردند ایران، آن عکس معروف که کنار پنجره هواپیما نشسته بودند، رفتم محضر ایشان و یواش کنارشان نشستم و گفتم آقا یک سوال دارم. این را مرحوم جناب آقای فردوسی پور درخاطراتشان آوردند. آقای فردوسی پور در ادامه خاطراتشان نقل می کنند:

آقا (حضرت امام) یک جوری عکس العمل نشان داد که خب سوال را بپرس. گفتم: این طی الارض که علمای ما می گویند همین نیست؟ مثلاً ما ظرف یک ساعت از آن سر دنیا پریدیم این سر دنیا! طی الارض هم یعنی همین دیگر! مثلاً در یک فرصت خیلی کمی، بعضی ها یا قدرت مادی یا قدرت معنوی آن قدر دارند که خودشان را منتقل می کنند. می گویند امام یک نگاهی به من کرد و لبخندی زد و بعد هم گفتند: اما هیچکدام به پای تخت سلیمان ما نمی رسند! و روایت تمام می شود. همین! یعنی اینی که نقل شده است از امام، همین است.

حکیم، حرف بی معنی نمی زند

من این روایت را که می خواندم با خود گفتم که یک حکیم، یک عارف، یک فقیه، یک فیلسوف، حرف ها را بی معنی نمی زند؛ آن هم حکیمی مثل امام!

معمولاً روی حرف های امام باید خیلی حساب کرد، چون مثلاً ممکن است همان موقع، توانایی درک معنی حرف را نداشته باشیم؛ اما ناگهان بعد از یک مدتی که می گذرد، می بینم که اصلاً معنای حرف تفسیر شده است، مثلاً موقعی که امام برای گورباچف نامه نوشت^۱ که صدای شکستن استخوان های کمونیسم به گوش می رسد و کمونیسم را باید به تاریخ سپرد، خیلی ها خندیدند.

کمونیسم خیلی قدرت داشت. تمام جنبش های اجتماعی جهان تحت تاثیر کمونیسم بودند. هیچ جایی در دنیا، اتفاقی نمی افتاد که دست کمونیست ها در آن نباشد. ولی امام خیلی راحت گفت که کمونیسم رفت به موزه تاریخ. اتفاقاً من بر مبنای همین حرف امام برای یک استادی که خیلی تکبر هم دارد، الان هم

بود. او پس از انقلاب نماینده مجلس شورای اسلامی، نماینده امام، قاضی شرع و نماینده مجلس خبرگان رهبری بود. آن مرحوم از اعضای مرکزی حزب جمهوری اسلامی ایران بود که در روز هفتم تیرماه سال ۶۰ در جریان انفجار دفتر این حزب به شدت مجروح شد که پس از تحمل ۲۵ سال درد و رنج ناشی از جراحات آن انفجار، در روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه سال ۱۳۸۵ دار فانی را وداع گفت.

رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام تسلیت به مناسبت رحلت ایشان اینچنین می نویسند: «این عالم بزرگوار بیشتر دوران حیات را به خدمت به اسلام و نظام جمهوری اسلامی گذراند. همراهی خالصانه ی ایشان با امام عزیز در نجف و دوران هجرت و پس از آن، خدمات قضایی در مشهد و نمایندگی مجلس خبرگان و مجلس شورای اسلامی از قطعات پرافتخار زندگانی ایشان است. جانبازی ناشی از فاجعه ی هفتم تیر نیز نقطه ی دیگری است که فضائل این روحانی ارزشمند را مشخص می سازد. ۱۳۸۵/۱۱/۲۸»

۱- ۱۱ دی ماه ۱۳۶۷، صحیفه نور، جلد ۲۱، ص ۲۲۰.

خیلی معروف هست، آن موقع من یک دانشجو بودم. دانشجوی فوق لیسانس دانشگاه شهید بهشتی بودم، یک متنی بر مبنای همین فرمایشات امام نوشتم. یعنی درباره‌ی پیش بینی آینده اوضاع شوروی، یکی از آن استدلال‌هایی که کرده بودم، این بود که شوروی تجزیه می‌شود.

آن استاد پای ورقه‌ی من نوشت: متأسفانه یک دانشجوی دوره‌ی فوق لیسانس علوم سیاسی یک ذره درک سیاسی ندارد. خب من آن موقع هیچ جوابی برایش نداشتم. ولی یک احتمال بود دیگر، تجزیه اش یک احتمال بود. مبنای این استدلال من هم، حرف امام بود، چون یک سابقه از فرمایشات امام داشتم، مبنای استدلال من همین حرف امام بود.

شاید دو سال طول نکشید که شوروی ساقط شد، البته آن درس را استاد به من نمره خیلی پایین داد. استاد ما همین آقای سریع‌القلم بود که تازه از آمریکا برگشته بود. خیلی هم متکبر بود. هنوز هم متأسفانه این فرایند تکبرش ادامه دارد.

گفتم نه! بچه حزب‌اللهی نباید حرف بخورد، آن هم حرف کسی مثل این آدم را که همیشه بچه‌های انقلابی را تحقیر می‌کند، همیشه انقلاب را تحقیر می‌کند، مردم را تحقیر می‌کند. گفتم اینجا دیگر باید بروم حرفم را بزنم. بعد از اینکه شوروی ساقط شد این نوشته‌ای که برای من نوشته بود را برداشتم و رفتم درِ اتاقش را زدم و برگه را گذاشتم سر میزش.

گفتم فکر نمی‌کنید که باید در نمره‌ام تجدید نظر کنید؟

ایشان این را که دید خیلی رنگ و رویش قرمز شد. خودش را زد به آن راه. که یعنی منظورت چی هست؟ گفتم من این احتمال را دادم، این احتمال من هم، استدلال من بر فرمایشات امام بود. شوروی تجزیه شد و حضرت عالی آن نوشته را حداقل با دست خودتان پاک کنید که آنجا نباشد که معلوم شود یک استادی که خیلی ادعای علوم سیاسی دارد، سطح تحلیلش آنقدر پایین باشد که این احتمال را نتواند درک کند. فقط نگاهم کرد و هیچ نگفت. من هم اصلاً چیز دیگری نگفتم و آمدم بیرون.

امام چرا این حرف را زد؟

برگردم روی خاطره آقای فردوسی پور از حضرت امام (ره).

چون این سابقه‌ی ذهنی در من بود. این فرمایش آقای فردوسی پور خیلی من را به فکر برد که چگونه امام این حرف را زده است. خب این آقای سوالی از ایشان کرد، خیلی راحت می‌توانست این را جواب بدهد. چرا گفت این‌ها هیچکدام به پای تخت سلیمان ما نمی‌رسند؟ خب این خیلی، این یک روایت مثلاً به ظاهر، این داستان‌هایی که می‌گویند، داستان‌های فئاتیکی هست. بعضی‌ها تعریف می‌کنند. یعنی داستان‌های توهمی، تخیلی و از این چیزها.

خب خیلی از این آقایان اهل علم می‌گویند که هِگِل گفت، کانت گفت، فلان گفت. همه‌ی این‌ها را می‌گویند، اما به محض این که می‌رسند به مثلاً مولای ما حضرت علی (ع)، من نمی‌دانم چرا مثلاً نقل نمی‌کنند. می‌توانند از کانت و این‌ها بگویند، اما به اینجا که می‌رسند، می‌گویند این فئاتیکی است، خب

این هم آدم است دیگر، دارد این را می‌گوید، این هم انسان است. ولی اینجایها ناگهان همه‌شان این نقل قول را به عنوان یک انسان نمی‌پذیرند. حالا به عنوان یک انسان بدون آن اعتقادات دینی‌اش. خیلی فکر کردم، یک چیز جالب دستم آمد؛ برای همین هم اینقدر این برای من جالب بود که گفتم خب حالا اگر بخوایم درباره‌ی این چیزی بنویسم که به من می‌خندند. مثل همان کاری که آقای سریع‌القلم کرد. ناگهان ممکن است که یک چیزی بنویسند که مثلاً این آدم دیوانه شده و عقلش را از دست داده است. ما هم جوان بودیم و خلاصه تازه شروع کرده بودیم. نمی‌خواستیم این مارک را بخوریم و از صحنه حذف بشویم. چون این روشن‌فکرهای ما، این منورالفکرهای ما خیلی توانایی در حذف کردن آدم‌ها از صحنه دارند. بعد ولی در پاورقی این اثرم نوشتم که آقا یک خورده به این قسمتش هم توجه کنید.

انتقال ماده

داستان حضرت سلیمان را همه‌ی دوستان خوانده‌اند! خب می‌دانید دیگر در داستان حضرت سلیمان موضوع، انتقال ماده است. حالا من به زبان علمی امروز می‌خواهم حرف بزنم. اصلاً تصرف در ماده است. چون می‌دانید که وقتی سلیمان می‌گوید تخت این بلقیس را، تخت، یعنی شیء و ماده، می‌گوید چه کسی این تخت را می‌تواند بیاورد؟

دو نفر ادعا می‌کنند من می‌توانم بیاورم. یکی عفریت جن است که ادعا می‌کند من می‌آورم ولی زمان نیاز دارم و با فاصله زمانی می‌توانم این کار را بکنم

عفریت هم، حاج آقا تشریف دارند و می‌دانند که حجّیت کلام الهی در ذهن علمای ما، حجیت ظهور لفظی است. ظهور لفظی یعنی اینکه همین که گفته شد، وقتی که کلام الهی قرائت شد، شما برداشتی که می‌کنید این است. تفسیر وقتی می‌آید که شما تردید کنید در کلام الهی و ناگهان گرفتار شک و تردید بشوید. آن به تفسیر وارد می‌شود. تفسیر در آن زمانی که حجیت دارد، کلام خب وارد نمی‌شود اصلاً، یعنی خدا گفت دزدی نکن، شما فرمودید که دزدی چی است؟ ناگهان شک می‌کنید. می‌گویید که مثلاً آیا این را بردارم، دزدی است؟ آن را بردارم؟ آرام آرام تفسیر می‌آید. مثل این داستان بقره‌ی بنی اسرائیل^۲ دیگر. خدا گفته بود یک گاو بکشید. در صورتی که هرچی می‌کشتند، قبول بود، اما چون نمی‌خواستند انجام بدهند، شروع کردند به داستان درست کردن، آخرش هم یک گاو پیدا نکردند که بکشند. یعنی تغییر وقتی می‌آید که حجیت ظهور لفظی اعتبارش را از دست می‌دهد. بعد خدمت شما عرض کنم که، خب داستان حضرت سلیمان هم همین است. عفریت در کلام الهی به اصطلاح در ظهور لفظی ما، یعنی موجود بد ترکیب زشت، این است.

۱- سوره مبارکه نمل، آیات شریفه ۲۳ تا ۴۲.

۲- سوره مبارکه بقره، آیات شریفه ۶۷ به بعد.

از یک طرف هم یک کسی که علم خدا داشت؛^۱ آن هم گفت من هم می‌توانم بیاورم. این شخص گفت من در یک چشم به هم زدن می‌آورم. عفریت گفت مثلاً یک وقتی به من بده بیاورم. این‌ها هست در داستان حضرت سلیمان. اینکه چرا امام گفت به پای تخت حضرت سلیمان ما نمی‌رسد، اصلاً داستان ظاهراً خیلی فراتر از اینهاست.

تصرف در ماده و انتقال آن

الان ایشان درباره‌ی یک فضایی دارد صحبت می‌کند، بشر توانایی انتقال صوت و تصویر را پیدا کرده است و این مالتی مدیا را دارد در موردش کار می‌کند و می‌تواند به هر طوری، هر شکلی که بخواهد در بیاورد اما هنوز بشر توانایی انتقال ماده را پیدا نکرده است و رویش هم دارند کار می‌کنند. غربی‌ها یک عادت خیلی خوب دارند؛ ما هم باید این عادت را داشته باشیم. معمولاً وقتی یک نظریه علمی می‌آید به ذهنشان، اول شروع می‌کنند آن را در قالب داستان‌های تخیلی و داستان کودکان و ... نقل می‌کنند.

اگر کسی اشکال بگیرد، می‌گویند داستان است دیگر، تخیل هم هرچیز دلش می‌خواهد خیال می‌کند. هر جا که دلش بخواهد می‌تواند برود. طیف خیال هم خیلی وسیع است و هیچ کسی هم نمی‌تواند بگوید تو چرا خیال کردی؟ بعد آرام آرام شروع می‌کنند این را یک درجه می‌آورند جلوتر، در ایده‌های علمی‌شان می‌آورند. بعد عینیش می‌کنند. بعد از حالت کارتون، به فیلم تبدیلش می‌کنند. شما الان مثلاً همین فیلم ترمیناتور دو^۲ را ببینید. خب یک آدمی پرتاب می‌شود به هستی. نمی‌خواستیم وارد این بحث بشوم. این نظریه، نظریه‌ی هایدگری^۳ است. می‌گوید ما را پرتاب کردند به هستی، و نمی‌دانیم ما از کجا پرتاب شدیم.

این فیلم اولش همین است، پرتاب می‌شوند دو نفر به هستی. یکی منشاء خیر، یکی منشاء شر، این‌ها دوتا در طول فیلم با همدیگر درگیرند. هر دوتایشان هم ربای هستند. یعنی آدم نیستند، ماشین هستند و شما ببینید مثلاً در این فیلم در این داستان‌ها، در حقیقت این‌ها توانایی تصرف و تبدیل بسیاری از اشیا را دارند. یعنی تصرف می‌کنند در ماده. بعد منتقلش می‌کنند. تصرف می‌کنند در خودشان. خودشان را منتقل می‌کنند. به نظر من. فتنه‌های آینده، فتنه‌های تصرف و تصرف در ماده است. الان تنها تصرف در صورت و صدا و تصویر، این فضا را درست کرده است، تصویرش را بکنید که بشود که تصرف در ماده هم کرد.

۱- آصف ابن برخیا.

۱۹۹۱- کارگردان: جیمز کامرون. Terminator ۲: Judgment Day

۳- مارتین هایدگر (Martin Heidegger) فیلسوف اگزیستانسیالیست آلمانی.

عفریت جن هم توانایی این کار را دارند، حالا ممکن است یک فرصت زمانی بیشتر بخواهد، ولی خب این را دارد. اهل علم خدایی هم این قدرت را دارند. به اینها بیشتر فکر کنیم. یعنی ما متاسفانه منتظریم که غربی‌ها یک کارهایی را بکنند و بعد ما جواب بدهیم و اینها، به نظر من به این چیزها باید یک مقداری فکر کرد. وقتی کسی که علم الهی دارد، این قدرت را پیدا می‌کند که ماده را منتقل کند، آن هم به چشم بر هم زدنی، پس ما هم می‌توانیم. فقط رویش کار و فکر نمی‌کنیم.

بیست سال پیش اگر از تصرف در ماده و تبدیل در اشیاء و آدم‌هایی که قدرت تصرف در ماده را دارند سخنی گفته می‌شد، همه می‌خندیدند و چنین چیزهایی را باور نمی‌کردند و اصلاً تصور هم نمی‌کردند که روزی چنین اتفاقی ممکن است در دنیا رخ بدهد. اما فضای مجازی و تکنولوژی و اتفاقاتی که در این سال‌ها در این فضا رخ داده، ذهن همگان را به رخداد چنین موضوعاتی آشنا کرده است و لذا دیگر حرف زدن پیرامون چنین مواردی آن قدرها هم عجیب نیست.

لذا ما الان باید به شکل جدی روی این فضا ورود کنیم و کار کنیم. آنچه که امروزه داریم از این فضا بهره می‌بریم کاملاً یک استفاده دم دستی است، بیشتر مخاطبیم تا سازنده و این برای ما که می‌خواهیم این فضا را بر مبنای انقلاب اسلامی جلو ببریم درست نیست. ما بهره‌های فراوانی می‌توانیم از این فضا ببریم و این بهره‌ها را باید بر اساس مبانی و خواسته‌های انقلاب اسلامی جلو ببریم.

فضای مجازی در ساحت‌ها و قالب‌های مختلفش بهترین فرصت برای ماست تا حرف حق‌مان را همه جای دنیا برسانیم. اصلاً از همین فضا می‌توانیم بهره ببریم برای تحقق اهداف‌مان. اما باید نوع نگاه و شیوه مواجهه‌مان با این فضا را با آنچه که الان هست تغییر بدهیم.

اخبار، اطلاعیه‌ها و محصولات متنوع تولیدی
دفتر استانی سازمان فضای مجازی سراج در گیلان

Seraj.ir/gilan





دفتر استانی سازمان فضای مجازی سراج در گیلان